
دو سه دقیقه بعد وقتی به جای سوار شدن در آسانسور از پله ها دو تا یکی پایین می آمدم و آوازهای شاد همراه با سوت می خواندم داشتم چک شرکت نفت را مام می کردم و به صورتم می مالیدم. آخر پله، توی سرسرای ساختمان زنم و خواهر زنم شوهر او را با پسرانش دیدم که در اتاق انتظار ساختمان نشسته اند و برای دیدن معاون وزیر نمره گرفته اند. جلو رفتم و زنم را بغل کردم و چک را به او نشان دادم. بعد از این که شادی ماکمی فروکش کرد، یک اسکنا صد دلاری کف دستش گذاشتم و گفتم: این برای این است که از نگهبان ساختمان رد شوی، اون سناریویی که توی هواپیما فکرش را کردیم ردخور نداره. برو پول نفت خودتو و بچه ها را بگیر! معاون وزیر امروز خیلی سر حال و دست و دل باز است. من دارم می رم توی ماشین اون کاغذ محاسبه پول طلبمان از گاز را بیارم!

نمایندگان متحصن

عکس و تفصیلات نمایندگان متحصن مجلس که در تمام روزنامه ها و مجلات چاپ شد سر و صدای زیادی بلند کرد و آشک ملت ایران در آمد و همه کاملاً با حرکت آن نمایندگان همدردی کردند. تا آن که یک باره گندش در آمد و یکی از روزنامه ها عکس یکی از نمایندگان را که سر سفره بزرگی از غذاهای خوشمزه و رنگین ایرانی نشسته بود و دو لپسی غذا می خورد را چاپ کرد. می گویند این نماینده از آن دسته نمایندگان بوده که حسین شریعتمداری رئیس روزنامه «کیهان» آن ها را «گو ساله» خطاب کرده و اشتباهاً امر «تحصن» را با «روزه سیاسی» قاطی کرده است. خبرنگاری در جنوب تهران در

جوابش ساده است. بیرون ساختمان پلاکارت دستم می گیرم و تظاهرات می کنم. شما می دانید زندان اوین کجاست؟ شنیده ام. ولی به من ربطی نداره. من سیتی زن آمریکا هستم. سیتی زن کره مریم هم باشید برای ما فرقی نمی کند! ما راه های خوبی برای دفع مزاحمت سیاسی داریم. مشت محکمی خورده بودم و باید زود فکری برایش می کردم. چون زیر فشار زیاد بهتر از معمول فکر می کنم، بلافاصله جواب خوبی را در مغزم پروراند: من با خانم شیرین عبادی صحبت کردم و قرار است که ایشان و کیل مدافع من باشد!

با شنیدن اسم شیرین عبادی در دست مثل این که صلیب را به دراکولا نشان داده باشی با سرعت از آن سوی اتاق به طرف میزش آمد و روی صندلی نشست. خیره به من نگاه کرد و من خیره تر از او به او خیره شدم. این رد و بدل نگاه یکی دو دقیقه طول کشید تا آن که او نگاهش را از من دزدید و کشوی میزش را باز کرد و از آن دسته چک کتابچه ماندنی با نقش الله روی جلد آن بیرون کشید.

چند لحظه بعد در سکوت مطلق اتاق صدای خش خش خودنویس بود و بس و چک نوشته شده یکبار در دستان من قرار گرفت. سرش را به حال تاسف چندبار تکان داد.

من چون حوصله در دسر و سر و صدا و جار و جنجال سیاسی ندارم این چک را نوشتم. فکر نکن که چک حق تو بوده است. این چک را بگیر و دیگه توی ایران پیدات نشه. به هر حال خیلی ممنون. خدا عوضت بدهد ولی این چک حق من است تا صنار آخرش!

محلله ای فقیر نشین که اهالی آن حتی و سع خرید نان خالی را هم ندارند، از پسر بچه ای پرسیده بود: وقتی که بزرگ شدی می خواهی چکاره شوی؟ پسر بچه که رویای شیرین دیدن عکس نماینده شکموی مجلس هنوز در خاطرش مانده بود جواب داده بود: نماینده متحصن!

توطئه های هنری غرب

از توی توالت صدای تلویزیون ماهواره ایرانی را که در اتاق بغلی بود می شنیدم. خوبی ماهواره های ایرانی این است که نباید حتما جلوی تلویزیون بشینی و می توانی ضمن انجام کار دیگری! هم به آن ها گوش کنی بدون این که از کیفیت برنامه چیزی کاسته شود.

مجرى برنامه داد و قال راه انداخته بود و ادعا می کرد که غرب بر علیه ایران توطئه کرده و چپ و راست به فیلم های ایرانی در جشنواره ها جایزه می دهد و یا آن که جایزه صلح نوبل تقدیم می کند.

اولی گفت که در عرض سه چهار سال اخیر حدود ۵۰ فیلم ایرانی در جشنواره ها برنده شده اند و عقیده داشت که از جایی بوی ماهی می آید و قضیه بو می دهد و گرنه ایرانی ها اصلاً از این استعدادها ندارند!

یادم افتاد که این همان کانالی است که مهمانان و مفسران و مجریان آن برای این عقیده هستند که انقلاب ایران را آمریکا و انگلیس طراحی کرده و خمینی را آن ها علم کرده اند. آن ها می گویند که یازده سپتامبر کار اسرائیل بوده و صدام و بن لادن و قذافی و کاسترو و مهربه های آمریکا هستند و برای سازمان «سیا» کار می کنند. آن ها همچنین اعتقاد دارند که صدام دستگیر نشده و پسران او عود می دهند و هنوز زنده هستند. می گویند که خامنه ای از ملکه انگلیس دستور می گیرد! در مورد زلزله بم هم خیلی

مشکوک هستند و می گویند کار خدا نبوده! همان طور که سر توالت مشغول تفکر بودم دیدم طرف عصبانی شده و به همه دنیا بد و بیراه می گوید که چرا به هنرمندان ایرانی جایزه می دهند؟ مرتب روی میز و تریبون می کوبید و تصور می کنم که رگ های گردنش ورم کرده و بیرون زده بود. با خودم فکر کردم فردا شب برنامه جوایز «گرامی» (Grammy) است و اگر شجریان و کلهر که کاندیدا شده اند جایزه را ببرند حتماً این شخص رسوایی عظیمی در تلویزیون ماهواره های اش به راه خواهد انداخت و تازه شهره آغداشلو که کاندید جایزه اسکار شده است را چکار کنیم؟ آن وقت مجبوریم تئوری توطئه او را قبول کنیم. همانطور که هنوز غرق در این افکار عمیق بودم سیفون رازدم و به طرف تلویزیون رفتم. به قیافه عصبانی اش نگاه کردم که باد کرده بود و تمام صفحه تلویزیون را پر کرده بود.

آب مخزن توالت داشت پر می شد که تلویزیون را خاموش کردم و رفتم که بخوابم.

کاسه خالی

در اخبار آمده بود که هوایمی حاوی کمک سوریه به زلزله زدگان بم بعد از بازگشت، جنگ افزار و اسلحه از ایران به سوریه برده تا در اختیار حزب الله قرار دهد. یادم می آید وقتی بچه بودم، همسایه ها برای ما غذای نذری مثل آش و شله زرد می آوردند. مادرم می گفت خوب نیست که کاسه خالی را پس بدیم و به ما می گفت که شاخه گلی از باغچه بچینیم و در کاسه قرار دهیم تا نشانه تشکر ما از غذای نذری باشد.

مادرم کجاست که ببیند چگونه از کاسه به هوایماری رسیده ایم و او ضاع دنیا چقدر فرق کرده است.

جنون گاوی

بعد از انتشار خبر یافتن یک مورد مرض جنون گاوی در شمال آمریکا، سایر کشورهای دنیا گوش بزنگ شدند تا این مرض به کشور آن ها سرایت نکند. خبرنگاری یقه وزیر کشاورزی جمهوری اسلامی را در مصاحبه ای گرفت و پرسید که آیا ایران در معرض خطر جنون گاوی قرار دارد یا نه و شما چه اقدامات ایمنی برای شیوع این بیماری در نظر گرفته اید؟ گویا حاج آقا لیخند ملیحی زده و جواب داده: خوشبختانه ما در ایران اصلاً گاو نداریم و مصرف گوشت ما تماماً از گوساله است!

رئیس جمهور عراق

قانون اساسی جدید عراق نوشته و آماده مصرف شده است. در این قانون اساسی که با کمک آمریکایی ها نوشته شده سه رئیس جمهور پیش بینی شده که هر کدام برای «کردها»، «سنی ها» و «شیعیان» منصوب می گردند.

وقتی که من می گویم آمریکادست به هر کاری می زند کنده فکر می کند و معجزه می شود باورتان نمی شود. وقتی سه تا بچه سر یک اسباب بازی دعوا می کنند طبیعتاً باید برای هر کدامشان یک اسباب بازی خرید تا دعوا ایشان نشود.

صدام حسین از زندان پیغام داده شما هر چه زور بزنید، هر کدامتان بیشتر از ۳۳ درصد از آرای مردم را هم نمی آورید و به پای من که ۹۸ درصد آرای مردم را داشتم نخواهید رسید!

مفسران سیاسی گفته اند که عراق بعد از اشغال توسط آمریکا واقعاً جلو افتاده و در حالی که کشور همسایه اش ایران فقط نصف رئیس جمهور دارد، مردم عراق شوخی شوخی دارای سه رئیس جمهور شده اند!